

# ماهیت فقهی و حقوقی ربا

فرانک پوستی و زهرا حسینی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد آستارا

زهرا حسینی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی- واحد آستارا

## ◆ چکیده:

یکی از مباحث قابل بررسی در فقه و حقوق اسلامی که از مباحث مهم جامعه اسلامی می باشد بحث ربا است ، محتوای این مقاله نیز در رابطه با حرمت ربا می باشد . در این مقاله ابتدا تاریخچه ربا و سپس شناسائی مفهوم ربا در لغت و اصطلاح بویژه از دیدگاه قرآن و سنت که از منابع مهم استنباط احکام شرعی و فرعی می باشد بیان شده است. در ادامه به تاریخچه تحولات ربا در خارج از دنیای اسلام ، فرق میان معامله و انواع ربا اشاره شده است . اما آنچه در این نوشته بطور دقیق و گسترده مورد کاوش قرار گرفته است بیان راهکارها جهت ایجاد بانک بدون ربا در جامعه اسلامی می باشد چرا که قرآن ربا را منع و حرب با خدا را هم به آن تشدید نموده است. متأسفانه ملل اسلامی هیچگونه توجهی به این موضوع مهم نداشته اند که مؤسسات و بانکهای عظیم کشورهای اسلامی روزانه این همه مرتکب معصیت عظیم می شوند . به همین علت لازم دانسته شد در ادامه بحث ابتدائاً مفهوم بانک و انواع سپرده های بانکی بیان شود و سپس درباره ساختار و مبنای بانکداری اسلامی ، شناخت نارسائیه و مشکلات و همچنین درباره تأثیر متقابل عملیات بانکداری اسلامی و بازار سرمایه بر یکدیگر بیاناتی ایراد شود تا عملیات بانکها در جامعه اسلامی کاملاً مطابق و موافق موازین احکام شرعی و فقهی شود تا ربا بعنوان یکی از ابزار استثمار مردم در کشورهای اسلامی ریشه کن شود و در پایان آماری بعنوان سند و مدرک بیانات ایراد شده از تاریخ ۱۳۸۲،۰۱،۰۱ تا ۱۳۸۴،۰۸،۱۰ ذکر شده است که این ارقام بیان کننده پرونده های رباخواری در دادگاه آستارا می باشد.

کلمات کلیدی: ربا ، دیدگاه قرآن ، بانکداری ، راهکارها

### مقدمه :

اسلام خرید و فروش را حلال و ربا را حرام اعلام نموده است. «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا». حرمت ربا از نظر قرآن، سنت و اجماع علما و فقهاء، جای هیچ گونه شک و تردیدی ندارد. در دین مبین اسلام و ربا خواری از بزرگترین گناهان کبیره شمرده شده است. چنانچه بعضی از بزرگان حرمت آن را تا مرز ضروریات دین رسانیده اند. به همین علت از ضروریات فقه اسلامی محسوب می شود. مال و ثروت از دیدگاه اسلام امانتی است در دست صاحبش و وظیفه او هم آن است که آن پول و ثروت را به سود خود و اجتماع به مصرف برساند، و زمانی که هموعان او در جامعه نیاز به پول پیدا کردند به مردم وام دهد و حق ندارد به هنگام دریافت، وجهی زاید اخذ نماید، بلکه تنها همان مقدار که به هموعان خود وام داده است، حق دریافت دارد. در بحث از اقتصاد اسلام، موضوع ربا و تحریم آن، یکی از مهمترین موضوعات می باشد. بنابراین بررسی ربا و تبیین مصادیق آن حایز اهمیت فراوانی است، خصوصاً در شرایط کنونی که آثار زیانبار و مخرب سیستم بانکداری ربوی برای کشورهای در حال توسعه اسلامی، روز به روز آشکارتر می گردد. اسلام در روابط فردی و اجتماعی به یک سری اصول اهمیت قابل توجهی می دهد، اصولی نظیر تراحم، تعاطف، همکاری، همیاری، تأمین نیازمندان، همدردی، روابط انسانی و ... در این راستا، دستگیری از نیازمندان و بینوایان از مهمترین تعالیم اسلام می باشد. مکتب حیاتبخش اسلام، جهت ترویج این اصول و گسترش کارهای نیک و انسانی، ربا را حرام کرده است که ایجاد قرض الحسنه و اهمیت دادن به آن یکی از این کارهاست. در این مقاله، علاوه بر بررسی فقهی تحریم ربا، ناکارایی سیستم بانکی موجود در کشورهای اسلامی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

«ولا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل أَلَا أن تکون تجارة عن تراض بینکم». (نساء، ۴، آیه ۲۹) و اموال خودتان را به ناحق نخورید مگر اینکه داد و ستدی باشد که از رضایت سرچشمه گیرد.

### تاریخچه ربا :

لوحه های گلی به جا مانده سومریها از چهار هزار سال قبل از میلاد، نشان می دهد که استقراض در آن زمان رواج داشته است، افراد طلا و نقره و دیگر کالاها را قرض می گرفتند، در

مقابل سودی با نرخ بهره حدود ۱۵ تا ۲۳٪ در سال برای وام دهنده می پرداختند. در بابل نیز ثروتمندان، به افراد نیازمند، وام می دادند حتی کاهنان، طلا و نقره را به صورت ربوی در اختیار مردم می گذاشتند. پرداخت وامهای ربوی امر عادی و معمول بود و قانون از ربا خواران حمایت می کرد. اگر بدهکاری توان بازپرداخت بدهی خود را نداشت، فرزندش طبق قانون به گروگان می رفت، این حقی بود که قانون به توانگران داده بود. (ابراهیمی، ۱۳۷۲، ص ۷۳)

در مصر باستان، ربا خواری رایج بود، زیرا هیچ مانع قانونی در مسیر آن وجود نداشت، تنها عامل محدودیت، تعیین سقف برای نرخ سود بود. به موجب قانون لوخوریوس هیچ وقت نباید سود به حدی برسد که به اندازه اصل وام شود. بدین دلیل، سعی می شد تا جلوی اجحاف بی حد و حصر رباخواران گرفته شود و بینوایان و نیازمندان، مورد حمایت قرار گیرند. (صدر، ۱۳۵۰، ص ۷۸)

در چین بیش از هزار سال، قبل از میلاد، در زمان حاکمیت «وانگ ان شی» حکومت به حمایت از دهقانان بدهکار اعلان کرد که دولت باید وام مورد نیاز آنها را با نرخ سود و منفعت کم در اختیارشان قرار دهد. (ابراهیمی، همان)

در عصر جاهلیت نوعی از ربا بسیار متداول و شایع بود که امروز اثری از آن باقی نیست و هیچ معامله ربوی بر مبنای آن صورت نمی گیرد، حتی در بسیاری از مباحث مربوط به ربا بدان اشاره نمی شود و آن ربایی است مربوط به استقراض که با آنچه در ذهنها مانوس می باشد، متفاوت است. برخی از فقها از آن تعبیر به ربای لاشک فیه کرده اند. آن روزگار افراد نیازمند از توانگران، وام می گرفتند بدون قرار پرداخت اضافی بعد از پایان مدت مقرر در صورت ناتوانی بدهکاران از بازپرداخت، تقاضای تمدید مهلت می کردند و طلبکاران با افزایش میزان بدهی موافقت می نمودند. این روند تا زمان بازپرداخت بدهی ادامه می یافت. شکل دیگری از ربای جاهلی مربوط به قرضهای حیوانی بود. در برابر تمدید، بدهی به سن بالاتر حیوان حیوان حواله داده می شد. مثلاً اگر طرف، شتر یک ساله را بدهکار بود، در پایان مدت، در صورت ناتوانی در ادای دین، متعهد می شد که پس از یک سال، شتر دو ساله بپردازد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۸-۲۹۷)

### شناسایی لغت ربا

**معنای لغوی ربا:** ربا اسم مصدر، و در لغت به معنی زیاده و قرونی، و فضل است. (فیض

، ۱۳۸۰ - ص ۳۱۸) همان طور که در فرهنگ لاروس می خوانیم:

## الربا والرباء:

قرونی، زیادی، سودی که وام دهنده از وام خود گیرد. فی الشرع: در شرع زیادتی مال است از عوض شرط برای یکی از دو طرف عقد، ربا، تنزیل پول.

در لسان العرب این گونه تعریف شده: «و الاصل فيه الزيادة من ربا المال اذا زاده و ارتفع دعا» ربا در لغت یک نوع زیادی است که در اموال بوجود می آید.

المنجمد ربا را به طور مطلق افزایش و «زیادی» معنا کرده که این معنا در قرآن نیز آمده است. «فلا وربوا عند الله» (روم، ۳۰، آیه ۳۹) یعنی در نزد پروردگار افزایش نمی یابد. در جای دیگر آمده: «یری الصدقات» (بقره، ۲، ۲۷۵) یعنی خدا پاداش کارهای نیک را افزایش می دهد. همچنین در سوره حج آیه ۵ می خوانیم «فاذا اتزلنا عليها الماء اهتزت و ربت ...» (چون باران را بر زمین بفرستیم، به اهتزاز درآید و نمو کند...) بنابراین، ربا به معنای لغوی در قرآن نیز آمده است.

امام معنای لغوی ربامساوی با اصطلاح شرعی آن نیست. زیرا در لغت ربا به طور قطع زیادی اطلاق می شود. در حالی که در شرع، به هر زیادی ای در معاملات و مبادلات ربا گفته نمی شود و حرام نیست. شاید بشود گفت: معنای لغوی ربا عامتر از معنای شرعی آن است. به همین دلیل، در مفردات راغب آمده است: «الربا الزیاده علی رأس المال لکن خص فی الشرع بالزیاده علی وجه دون وجه». ربا در اصل زیادی بر اصل مال است ولی از نظر شرع زیادی خاصی را ربا می نامند.

## تعریف فقهی ربا:

ربا در اصطلاح فروختن جنس پیمانه ای، یا کشیدنی است، به همان جنس، با زیادتی در یکی از آن دو، زیادتی حقیقی مثل اینکه یک خروار برنج را به یک خروار و نیم برنج دیگر فروشنده یا زیادتی حکمی مثل اینکه یک خروار گندم را نقداً به یک خروار گندم مدت دار فروشد. این هر دو ربا است. پس در ربا سه شرط وجود دارد: فروختن جنسی به همان جنس مثل طلا به طلا و گندم به گندم، جنس باید پیمانه ای یا کشیدنی باشد، نه شمردنی و غیره، یکی از آن دو زیادتر باشد از دیگری یا حقیقتاً، یا کلاً. (فیض، ۱۳۸۰-۳۱۸)

اغلب فقهای شیعه در تعریف ربا گفته اند:

ربا عبارت است از دریافت زیادی در مبادلات دو کالای همجنس که موزون یا مکیل باشند و یا دریافت اضافی در قرض با شرط قبلی. برخی ربا را بر مبنای فلسفه معیار حرمت ربا تعریف کرده اند. ابتدا به بررسی علت حرمت ربا پرداخته و در نهایت علت حرمت ربا را ظالمانه بودن آن دانسته است. بر مبنای این ملاک به تعریف ربا پرداخته اند :

ربا عبارت است از « دریافت و یا پرداخت هر گونه زیادی ناحق و ظالمانه در مبادلات بر اساس ارزش آنها (موسایی، ۱۳۷۶، ص ۲۵) بر اساس این تعریف نتیجه گیری کرده اند :

الف) ربا شامل تمام معاملات و مبادلات، خرید و فروش، قرض، صلح و ... می شود.

ب) ربا محدود به مکیل و موزون نمی شود.

ج) طبق این دیدگاه هر گونه معامله ظالمانه و اجحاف آمیز رباست.

شاید این تعریف از نظر جامع بودن مشکل نداشته باشد به شرطی که علت حرمت ربا ظالمانه بودن باشد، ولی از جهت مانع الاغیار و خروج مبادلات غیر ربوی از تعریف، اشکال دارد، زیرا اولاً، بسیار است معاملات غیر ربوی که ظالمانه است و دریافت و یا پرداختهایی که در ظالمانه بودن آنها تردیدی وجود ندارد، ولی جزء ربا محسوب نمی شوند، گران فروشی کالاهای اساسی، در شرایط کمیابی، مبادله ظالمانه است ولی ربا نیست.

ثانیاً، اگر ظالمانه بودن را بعنوان تنها معیار و ملاک حرمت ربا در نظر بگیریم، باید مشروعیت مبادلات بانکی در جهان سوم را بدون هیچ گونه تردید، بپذیریم، چون سپرده گذاران از اقشار کم درآمد جامعه و دریافت کنندگان وام بانکی اکثراً از سرمایه داران و منتقدان سیاسی - اجتماعی تشکیل شده اند. به نظر نمی رسد گرفتن بخش ناچیزی از بازدهی سرمایه آنها به نام بهره ظالمانه باشد.

ثالثاً، این تعریف معیار همجنس، مکیل و موزون بودن را در ربای معاملی در نظر نگرفته است. با اینکه در اختصاص ربای معاملی به این نوع کالا نظر مشهور فقهای شیعه است و با قاعده فقهی « یكون الربا الا فی ما یکال او یوزن » شافی دارد.

### مفهوم ربا در قرآن و سنت :

« و ما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربو عند الله و ما آتیتم من زکاه یردون وجه الله فأولئک هم

المضعفون» (روم، ۳۰، آیه ۳۹). آنچه را که بعنوان ربا می دهید تا از اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت، و آنچه را که به عنوان زکات می پردازید و تنها ذات خدا را منظور نظر دارید، دارای پاداش مضاعف خواهد بود.»

مفهوم آیه آن است که اگر کسی اموالش را بخاطر رضایت خدا به واجدین شرایط بدهد، خداوند عزوجل به او پاداشی چند برابر می دهد، به عکس اگر کسی با روش ربوی به دیگران چیزی بدهد (از آنان ربا بگیرد) از پاداش الهی محروم خواهد شد. یعنی پرداخت زکات باعث نقصان و کاستی دارایی انسان نمی شود بلکه با رضایت خداوند باعث افزایش و رشد آن می گردد، اما ربا، که به منظور افزایش دارایی و ثروت گرفته می شود به چنین نتیجه ای نمی انجامد، زیرا مورد رضایت خداوند نمی باشد.

لفظ ربا (بدون الف و لام) به معنای هر نوع زیاده می باشد که در آیه شریفه به معنی زیاده ویژه ای است که از طریق گردش دارایی و پول به دست می آید و در بردارنده تعدی و تجاوز به مال و دارایی دیگران نیز می باشد.

«ربا لیربوا فی أموال الناس» ربایی که از اموال مردم فزونی یابد.»

در آیه شریفه همچنین اشاره شده است که این روش، نادرست است و مورد رضایت خداوند نیست. زیرا هدف نهایی این زیاده بر خلاف زکات (که در بردارنده معنای همباری و همدردی در میان مردم است) چیز دیگری می باشد.

«و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل و ...» (بقره، ۲، آیه ۱۸۸) «و اموال خودتان را به باطل در میان

خود نخورید و ...»

ملاحظه می کنیم که در آیه، لفظ «آکل» در بر دارنده معنی کسب نیز می باشد، و در این آیه، ربا بعنوان کسب و درآمدی ناروا معرفی شده است. در مختار الصحاح: الماکل» به معنی کسب و درآمد می باشد و «یستأکل الضعفاء» یعنی اموال ضعفا را می گیرد.

در این آیه ربا (که بالف و لام تعریف شده) بر دو نوع است:

۱- ربای نسیمه (تمدید مهلت) که به آن ربای قرض هم گفته می شود.

۲- ربای زیاده (الفضل) که به آن ربای معامله نیز گفته می شود.

«فأذنوا بحرب من الله ورسوله» (بقره، ۲، آیه ۲۷۵) «پس به جنگ با خدا و پیغمبرش برخاسته اید.»

ربا، بر خلاف سرقت یا زنا، حلاً شرعی ندارد، اما از جانب خدا و رسول (ص)، کیفر شدید و دردناکی دارد و این تفسیری از «فأذنوا بحرب من الله ورسوله» می باشد... اگر واقعاً توبه کرده اید لازم است بدانید که غیر از سرمایه ای که از راه حلال بدست آورده اید چیز دیگری مال شما نیست.

بر اساس این شواهد، گناه و جرم ربا خواری بزرگ است... این آیات هر فرد مومنی را از ارتکاب چنین گناه و جرمی می ترساند و باعث می شود تا از ارتکاب چنین امری که خشم و غضب خدای سبحان را در پی دارد، شدیداً اجتناب کند. خشم و غضبی که باعث می شود خداوند سبحان، علیه مرتکبین و اصرار کنندگان بر ربا اعلان جنگ نماید.

واما، دومین منبع برای احکام قول، فعل و تقریر معصوم (ع) است. روایات زیادی در کتابهای معتبر شیعه و سنی در رابطه با حرمت ربا آمده است. در اینجا به ذکر برخی از آنها بسنده می کنیم.

پیامبر (ص) در حدیثی که عباد بن صامت روایت نموده است، مفهوم ربا و معامله بدون ربا را به طور کامل و جامع بیان نموده است. عباد می گوید که رسول خدا (ص) فرمود: «طلا با طلا، نقره با نقره، گندم با گندم، جو با جو، خرما با خرما و نمک با نمک به صورت یکسان و دست به دست (تهاز) مبادله شود. اگر کالای طرفین مبادله متفاوت بود (مثلاً طلا با گندم) هر چه خواستید به صورت دست به دست معامله کنید.» (بیری احمد، ۱۳۷۹، صفحه ۱۶ و ۱۹ و ۲۳ و ۲۸) و همچنین شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه جلد ۱۲ آورده است که: «امام صادق به مردی برخورد کرد که ربایمیخورد و آن را شیر می نامید. امام فرمود: اگر قدرت اجرایی می داشتم او را گردن سی زدم.» از امام صادق (ع) که او از آبای خود و آنها از پیامبر (ص) در مورد وصیت آن حضرت به علی (ع) روایت شده:

«یا علی ربا هفتاد شعبه دارد که ساده ترین آنها مثل تجاوز به مادر خود در خانه خدا (کعبه) می باشد و گناه یک درهم ربا از هفتاد بار زنا با محارم در خانه خدا بیشتر است.» (حکیمی، ۱۳۷۴، صفحه ۴۰۹)

## تاریخچه تحولات ربا در خارج از دنیای اسلام:

### ۱- مفهوم ربا در یونان و روم:

شومپتر (مشهورترین مورخ عقاید اقتصادی) می گوید که ارسطو سود حاصل از هر نوع قرض را لعن نموده و آن را با ربا یکی می دانست. ارسطو که نقش اساسی پول را سنجش ارزش و واسطه

معاملات برشمرده شده است هیچ توجیهی را در این مورد نمی پذیرد که طلبکار « فقط با انتقال پول به دیگری ، مبلغی بیش از اصل قرض دریافت کند. ارسطو این مفهوم را با این عبارت مشهور اظهار داشته است که « پول خنثی است و چیزی نمی زاید » به این معنی که پول در ذات و ماهیت خود نمی تواند رشد کند بلکه این انسان است که آن را با تلاش خود ، زیاد نموده و رشد می دهد.

در تنظیم فعالیتهای تجاری ، در روم قدیم ، مشارکت ( Partner ship ) پذیرفته شده و سود حاصل از مشارکت نیز مقبول و جایز شمرده شده است ، زیرا این نوع سود ، حاصل قبول ریسک ( خطر ) و تلاش اقتصادی است ، و این چیزی غیر از مبادله پول و درآمد ناشی از آن است که بدون ریسک و کار اقتصادی حاصل می شود ، و همانند سیستم اجاره است که در آن استفاده کننده از دارائی مولد درآمد سالانه ای به مالک آن می پردازد.

البته سیستم اجاره دارائی مولد ، در نوع خود ، ربوی تلقی نمی شود. اما بهانه ای شده است تا ربا خواران آن را به نفع خویش تفسیر نمایند یعنی اینکه سرمایه پول خود را نیز دارائی مولد (مانند مستغلات) تلقی کرده و بنابراین آن را واجد شرایط دریافت پاداش سالانه بدانند.

### مفهوم ربا در یهودیت :

در قاموس کتاب مقدس تعریف ربا عبارت است از « دریافت بیشتر از اصل » و در باب ربای دائره المعارف یهود آمده است « شریعت موسوی دریافت هر نوع زیاده (کم یا زیاد) از هر نوع قرض را در صورتی که قرض دهنده و قرض گیرنده هر دو اسرائیلی (یهودی) باشند منع نموده است یعنی اسرائیلیان ( یهودیان ) در بین خودشان ربا نمی گیرند در حالی که برای گرفتن ربای هر نوع قرض از بدهکار بت پرست (غریهودی) حد و مرزی تعیین نشده است.

در تفسیر تلمود بابلی (کتاب شریعت و سنت یهودیان) آمده است « ربا عبارت است از هر نوع زیاده ای که علاوه بر اصل قرض گرفته شود ، مثلاً اگر کسی دینار را قرض بدهد و بعد از مدتی پنج دنیا دریافت کند ، زیاده آن که یک دینار است ، ربا محسوب می شود. » (سری احمد ، ۱۳۷۹ ، ص ۹۱-۸۵)

### مفهوم ربا در مسیحیت :

علاوه بر گرفتن تحریم ربا از تورات ، در انجیل لوقانیز ، نصی وجود دارد که مفسرین



مسیحیت آن را تأکید بر تحریم ربا می دانند. این نص می گوید: «اگر به کسی فرض دادید که برگرداند، از او زیاده نگیرید. زیرا دوستان به دوستان قرض می دهند تا دقیقاً مثل آن را برگردانند، بلکه حتی دشمنان را دوست بدانید، نیکوکاری کنید و قرض بدهید و چیزی نخواهید در این صورت پاداشتان بزرگ خواهد بود.» (لوقا: الاصحاح ۶: ۳۵-۳۴)

با وجود این، در اروپای قرون وسطی، در مورد تفسیر این نص انجیل لوقا، اختلاف نظر بوجود آمد. اما در جهت گیری کلی رهبران کلیسا، افزایش ثروت از طریق بهره قرض پولی زشت شمرده شده و مسیحی هایی که معامله ربوی می کردند تنبیه و از کلیسا اخراج می شدند. تغییر وضع ناشی از موج ما دیگری و سکولاریسم در پایان قرون وسطی، همراه با رشد تجارت در اروپای اواخر قرن وسطی جهت گیریهای جدید بوجود آورد. از یک طرف سکولاریسم در جامعه اروپائی، شدیداً قوت می گرفت، به نظر سردمداران این دیدگاه می بایست پول با بهره قرض داده می شد.

از سوئی دیگر در دو قرن آخر از قرون وسطی، نشانه های اولیه از بین رفتن سلطه فعالیت های کشاورزی و جهت گیری به سمت فعالیت های تجاری (داخلی و خارجی) در اروپا بروز کرد. از اینجا بود که فعالیت وام دهی اهمیتی یافت که قبلاً نداشت. شومپتر تاریخ نگار مشهور عقاید اقتصادی می گوید: «ماهیت موارد استثناء آن چنان است که در شرایط مختلف نتایج متفاوتی به بار می آورد، تا زمانی که چنین باشد دایره عمل مورد استثناء در واقعیت زندگی گسترش می یابد و کم کم همه چیز را در بر می گیرد.» (پسری احمد، ۱۳۷۹، ص ۹۵-۹۱)

### فرق ربا و مضاربه:

لازم دانسته می شود قبل از آن که درباره تفاوت ربا و مضاربه بحث شود، تعریف و توضیح اجمالی در مورد مضاربه گفته شود:

### تعریف مضاربه:

مضاربه مصدر باب مفاعله و مشتق از ضرب در زمین یعنی رفتن و سیر کردن به بلاء است. در عمل مضاربه که عامل به دستور مالک برای تجارت به هر طرف سیر می کند و می رود تا سودی بدست آورد، یکی مباشر و دیگری سبب سیر بر روی زمین شده اند و از این رو معنی

مفاعله محقق می گردد. ممکن است مضاربه مشتق از ضرب به معنی بردن سهمی از سود باشد. در کلمات فقها به مضاربه، قراض نیز اطلاق می شود چه آنکه قرض به معنی بریدن و قطع کردن آمده و وجه تسمیه معامله مزبور به قراض از آن نظر است که مالک قطعه ای از مال خود را می برد و به عامل می دهد که با آن معامله کند. (حسینی، ۱۳۳۳، ص ۲۸۸) ماده « ۵۴۶ » قانون مدنی مضاربه را چنین تعریف می کند. « مضاربه عقدیست که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می دهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند، صاحب سرمایه مالک، و عامل، مضارب نامیده می شود. » و در مضاربه سه امر مورد نظر است: « سرمایه، عمل، سود »

سرمایه: و آن عبارت از مالی است که جهت امور تجاری به عامل داده می شود. عمل: عملی را که مورد تعهد عامل قرار می گیرد، تجارت است و در نتیجه مضارب نمی تواند با آن سرمایه عمل غیر تجاری انجام دهد چنانکه آن را در امور صنعتی و یا فلاحتی بکار اندازد. سود: سهم هر یک از مالک و عامل از منافع باید جزء مشاع از کل باشد و نسبت مزبور باید در عقد مضاربه تعیین شود. (حسینی، همان، ص ۲۹۳-۲۹۱)

### تفاوت ربا و مضاربه:

فرق مضاربه که اساس کار بانک اسلامی است و ربا که اساس کار سایر بانک ها می باشد

چند چیز است:

۱- در ربا پیوند سرمایه با صاحب مال قطع است اما در مضاربه پیوند سرمایه با صاحب مال همچنان محفوظ است و برای بارور کردن آن همکاری و همفکری دارد.

۲- در ربا مقدار سود ثابت است اما در مضاربه مقدار سود ثابت نبوده به نسبت سود حاصله متفاوت خواهد بود.

۳- در ربا هیچ زبانی متوجه سرمایه ربا دهنده نیست اما در مضاربه زیان متوجه سرمایه است.

۴- در صورت بطلان مضاربه سرمایه و همه سود متعلق به صاحب حساب سپرده سرمایه گذاری است.

(بی آزار شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴-۱۳۳)

### فرق میان معامله و ربا:

در معامله، شخص کار و کوشش و مهارت به خرج می دهد، و به نقل و انتقال کالا و

سایر کارهای تجاری می پردازد، و کالا را در دسترس مشتری قرار می دهد، و هرگونه خسارت و اتلافی را عهده دار می شود، و در مقابل مقداری استفاده دریافت می دارد، ولی در ربا شخص از این دست پول به افراد نیازمند می دهد، و از آن دست با مقداری اضافه می گیرد. در نتیجه عده ای مرفه بی آنکه کاری انجام بدهند و ضامن خسارت و اتلاف آن باشند، روز به روز بر ثرویشان افزوده می شود و افراد ضعیف، روز به روز ضعیفتر می گردند. سرانجام ربا وسیله ای برای استعمار و استضعاف و استثمار مردم توسط سرمایه دار خواهد گشت، بنابراین اینکه گفته می شود ربا مثل بیع و خرید و فروش است ابدأً صحیح نیست.

## انواع ربا:

همانطور که از تعاریف زیادانسته شد، ربا به دودسته تقسیم می شود: ربای قرضی، ربای معاملی.

### ۱- ربای قرضی:

ربای قرضی به این صورت است که شخص مالی را به دیگری قرض دهد به شرط اینکه با مقداری زیادتر به وی بازگرداند خواه بطور صریح شرط کند یا دادن قرض بر مبنای آن باشد. این نوع ربا شدیداً حرام است. (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۷، ۲۵۹)

در ادامه این بحث باید بیان کرد که در رابطه با ربای جاهلی و متداول در عربستان اختلاف نظر است. بسیاری از علمای اهل سنت معتقدند این نوع ربا به دلیل تأخیر در پرداخت بوجود می آید. بعد از اعلان بدهکار، مبنی بر عدم توان پرداخت بدهی در موعد مقرر، طلبکار بر مبلغ می افزاید و تاریخ بازپرداخت را به تعویق می اندازد.

اما علمای شیعه معتقدند که ربای در قرض چیزی نیست جز شرط زیادی توسط طلبکار، این ممکن است در اول قرارداد و یا بعد از اعلان ناتوانی بدهکار از بازپرداخت، تعیین شود. بنابراین، ربای قرضی حرام چیزی نیست جز ربای شناخته شده و از همان عامه مردم.

نکته مورد توجه در این رابطه اینکه اگر ربای حرام تنها ربای قرضی جاهلی به معنای خاص آن باشد، حلیت ربای غیر ضروری ثابت می شود، زیرا کسانی که در پایان مهلت، نتوانند بدهی خود را بپردازند و به رنج زیاد گران نهند، فقرا خواهند بود. آنها باید که تن به پذیرش ربای اضعاً مضاعفه می دهند. بعد از گذشت چند دوره، خود و خانواده و نسلهای بعدشان به بردگی می روند

عدالت خواهی و ظلم ستیزی اسلام ایجاب می کند که در برابر اینگونه روابط اقتصادی ظالمانه بایستد و سیستمی را برقرار سازد که در آن فرآیند آزادی انسان تسهیل شود. ولی افرادی که برای راه اندازی و گسترش فعالیتهای تولیدی و تجاری قرض می گیرند، و در پایان مهلت بدهی خود را می توانند بپردازند، نیاز به تمدید مهلت و پرداخت اضافه نخواهند داشت. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ص ۳۲۲-۳۲۱)

## ۲- ربا در معامله:

ربا در معامله عبارت است از مبادله دو کالای مثل هم با دریافت اضافی، مانند فروش یک کیلو گندم با دو کیلو گندم، یا یک کیلو گندم به انضمام دو ریال، یا یک کیلو گندم نقد به یک کیلو نسیه، این نوع ربا در سایر معاملات مانند صلح و غیره نیز جریان دارد. ربا و معامله در صورتی که توأم با دو شرط زیر باشد حرام است:

الف) از نظر عرف هر دو کالای مورد مبادله یک جنس و یک نوع محسوب شود، ولی اگر یک نوع حساب نشوند، مثلاً یک کیلو گندم با یک کیلو عدس و مقداری اضافی مبادله شود مانعی ندارد.

ب) دو کالای مورد مبادله کیلی و وزنی باشند کالایی که تعیین عرفی آن با عدد یا نظر باشد. (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۹)

## ۳- ربای جلی و ربای خفی:

این نوع ربا با عناوین دیگری نیز یاد می شود، از قبیل «ربای جلی» و «ربای خفی» و «ربای فضل» که اولی همان ربای قرضی است، این ربا «مشمول بر ضرر عظیم است» ولی ربای خفی از نظر بعضی ها حرمت ابزاری دارد، به این معنا، این نوع ربا به خودی خود حرمت ندارد، بلکه برای جلوگیری از افتادن در ربای جلی و به منظور حفظ حریم ربای قرضی، حرمت یافته است.

پیامبر ص می فرماید: «یک درهم را بادو درهم نفروشید زیرا من برای شما از ربا می ترسم».

اگر ربای معاملی بعنوان حریم ربای قرضی و فلسفه حرمت آن را «سداً للذرایع» بدانیم، در آن صورت به یک تفاوت اساسی میان این دو نوع ربا می رسمیم: ربای قرضی هیچ گاه مباح نمی شود و حرمتش در هر شرایطی، با برجاست ولی ربای فضل هنگامی که ضرورت اقتضا کند می تواند مباح گردد.

تفاوت دیگری در رابطه با مالکیت اموال و دارائیهایی که بصورت ربوی دریافت شده‌اند، وجود دارد: در معاملات ربوی، اصل معامله باطل می‌شود و طرفین معامله، املاک دریافتی را مالک نمی‌شوند، در حالی که در قرض ربوی تنها مقدار دریافتی مازاد بر اصل پولی و دارائی، طبق شرع به ربا خوار منتقل نمی‌شود و قرض‌گیرنده می‌تواند پول دریافتی بعنوان وام را تصرف کند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۸-۳۳۸)

### چرا ربا با این شدت تحریم شده است؟

ربایکی از ظالمانه‌ترین انواع استثمار شمرده می‌شود، اسلام با این راه پلید استثمار، به هر شکل و زیر هر پوشش که باشد، به شدت مبارزه و از ربا خواران به سختی نکوهش کرده است. در اسلام از اینکه خود پول مستقلاً عامل منحصر در جلب بهره باشد و بصورت ربا خواری از آن استفاده شود و موجب شفاف عمیق اقتصادی گردد شدیداً منع شده، هم از رکود پول و در حبس نگاه داشتن و به جریان نینداختن آن جلوگیری به عمل آمده و تأکید شده است که نایستی پول و سرمایه که در اختیار کسی قرار دارد، بدون اینکه در راه صحیحی به کار افتد راکد و معطل بماند، بلکه بایستی برای ایجاد فعالیت و تحرکی تازه و در راه افزایش تولید و ایجاد اشتغال برای افراد جامعه به کار افتد و نقش صحیح و موثر خود را ایفا کند. در اقتصاد اسلامی پول راکد، در صورتی که حد قابل ملاحظه‌ای برسد و در طول یک سال، به کار نیفتد مشمول یک نوع مالیات بر سرمایه با شرایط خاص خود می‌شود و سالانه یک چهارم آن برای مصرف در راه مصالح عمومی گرفته شود.

ربا از آن جهت حرام است که ربا مایهٔ تباهی و هدر رفتن دارائی اشخاص است، چون وقتی یک نفر درهم گرفت و دو درهم داد، از این دو درهم، یکی در برابر درهمی است که گرفته، ولی درهم دوم به هدر رفته، بنابراین حق یکی از دو طرف ضایع شده است، به همین جهت خدای عز و جل ربا را بر بندگان تحریم کرد، چنانچه خداوند حرام نمود مال آدم ابله را تا وقتی که نشانه‌های رشد و کاردانی را در او نیابند به او ندهند، چون بیم آن می‌رود که دارایی او بیهوده هدر رود.

در معاملهٔ نسیه هم ربا بدین جهت حرام شده که هم موجب آن می‌شد که روح خیر خواهی از میان برود و هم مایهٔ به هدر رفتن دارایی انسانها و علاقمند شدن مردم به بهره و رها کردن

قرض الحسنه می گشت ، با اینکه قرض الحسنه از کارهای خیر است ، به هر حال ربا مایه فساد و ظلم و تجاوز و نابودی اموال است .

با توجه به مطالب فوق ، در باره تحریم ربا به دو علت اساسی توجه شده است :

۱- هدر رفتن قسمتی از دارایی ربا دهنده و سرازیر شدن آن به جیب ربا خوار ، بی آنکه ربا خوار در برابر آن چیزی به ربا دهنده بدهد .

۲- شعله ور کردن آتش حرص ، تقویت روحیه سودجویی و پول پرستی و تضعیف روحیه خیر خواهی و نوع دوستی در انسانها. (سعید خوزی ، ۱۳۶۸ ، ص ۲۸-۲۱۶)

### جلوگیری از رکود:

یکی از علل دیگر جهت تحریم ربا جلوگیری از رکود است، وضعیتی را رکود می گویند که تقاضا و فعالیتهای اقتصادی به شدت کاهش یابد ، تعداد قابل توجهی از نیروی کار جامعه بیکار شوند ، تولیدات تنزل پیدا کند ، سرمایه گذاری متوقف شود ، معاملات و مبادلات کم شود ، بینگانهای ضعیف و کم تجربه ورشکست شوند و قدرت خرید مردم در سطح قابل توجهی کاهش یابد . سیاستهای انقباضی پولی (کاهش حجم پول در گردش) و مالی (افزایش مالیات و کاهش در مخارج دولت) و عدم تمایل مردم به سرمایه گذاریهای تولیدی ، از عوامل ایجاد رکود اقتصادی است .

در روایات نیز از جمله علل و عوامل حرمت ربا ، فساد و نابودی اموال ، کاهش فعالیتهای تجاری را ایجاد رکود اقتصادی شمرده شده است و اینکه رواج رباخواری معاملات و مبادلات اقتصادی را کاهش می دهد .

بدین ترتیب ، می توان گفت بسیاری از هرج و مرجهای اجتماعی ، زمینه های اقتصادی دارد اغتشاشات و ناآرامیهای اجتماعی بدعتی و فلاکت جامعه را در پی خواهد داشت . همچنین نه تنها دور نمای آینده اقتصاد را تیره و ناپیدا می سازد بلکه تمایل مردم به سرمایه گذاری تولیدی و مفید را کاهش می دهد ، در نهایت ، اقتصاد با رکود ، مواجه می گردد ، بنابراین ربا می تواند از طریق هرج و مرج اجتماعی ، به فئای اموال منجر شده و به رکود ، مواجه می گردد ، بنابراین ربا می تواند ، از طریق هرج و مرج اجتماعی به فئای اموال منجر شده و به رکود بینجامد. (موسوی بجنوردی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۴۲ و ۲۴۱-۲۴۵)

### تحولات ربا در دنیای اسلام، مشکل عقب ماندگی و فرآیند توسعه:

مارکسیم رودنسون Maxin Rodinson در کتاب «اسلام و سرمایه داری» بیان می کند: مواردی وجود دارد که نشان دهنده وجود معاملات ربوی در کشورهای اسلامی عرب قبل از رواج فعالیت موسسات بانکی غربی در آنها می باشد. بار اضافی نرخ بهره واقعی و افزایش بدهی کشورهای در حال توسعه وحشتناک و غیر قابل تحمل می باشد.

در گزارشی، فقط بصورت کلی این مسائل مطرح شده است اما جا دارد که تصویری از کشورهای اسلامی مصر ارائه داده شده است. کل پرداخت بهره وامهای بلند مدت دولتی در ۱۹۷۰، ۵۶ میلیون دلار بود که در ۱۹۹۰ به ۱۱۴۳ میلیون دلار رسید نسبت این بهره ها به تولید ملی به ترتیب ۴/۸٪ در ۱۹۷۰ و ۴/۱٪ در ۱۹۹۰ می باشد. اما نسبت این بهره ها به درآمد حاصل از صادرات کالا و خدمات ۳۸٪ در ۱۹۷۰ و ۱۱٪ در ۱۹۹۰ می باشد کاهش نسبت بهره به درآمد صادرات ناشی از کاهش بهره نبود، بلکه افزایش قیمت صادرات خدمات از جمله گردشگری و خدمات کانال سوئز و درآمد مصریهای خارج از کشور عامل این کاهش نسبت بوده است.

این همان واقعیت تلخ و مصیبت ربا است! (سری احمد، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷ و ۱۶۱-۱۶۰)

اقتصاد وسیله عبادت و آزمایش:

«إِنَّ اللَّهَ اسْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (توبه، ۹، آیه ۱۱۱) خداوند جان و اموال مومنین را به بهای بهشت خریداری کرده است.

یکی از امتیازات مهم اقتصادی اسلامی، توأم بودن آن با عبادت است. در اسلام هر نوع اتفاق، احسان و پرداخت مالیات، عبادت محسوب می شود و هر مسلمانی در تمام امور خدا را طرف حساب خود می داند و این امر او را به کارهای نیک و کمک و دستگیری از همزیرگان تشویق می کند و از ظلم و ستم به مردم باز می دارد و آنها را آنچنان می سازد که نیازی به نظارت مأموران مالیات نخواهد بود، بلکه خود با میل و علاقه نسبت به پرداخت خمس و زکات و مالیات و حقوق مردم مبادرت می ورزند.

این نکته اساسی در هیچ نظام اقتصادی به جز اسلام دیده نمی شود. چه در سایر جوامع انگیزه فعالیتهای اقتصادی تنها امور مادی است، و از مسائل معنوی خبری نیست و همین امر باعث

بسیاری از مشکلات، خود خواهی ها ، تصاحب اموال ضعفا و محرومان و سیطره جویی و استثمار آنها و دو قطبی شدن جامعه است .

اما در اسلام چون هر عمل نیک و صالح و سودمندی که برای بندگان خدا انجام می شود برای خدا محسوب می گردد ، انسان احساس آرامش و لذت روحی می کند ، چه عاملش در آن واحد هم عمل مادی است و هم عمل معنوی و مال و ثروت در دست مسلمان وسیله ای است برای عمل صالح و عبادت ، احسان و ایثار و از سوی دیگر وسیله ای برای امتحان . ما مسلمانان معتقدیم که این جهان آزمایشگاه ماست و آخرت محل اعطای جوایز ، و در این دنیا خداوند ما را در امور مالی و غیره مورد آزمایش قرار می دهد . چنانکه می فرماید :

«لَتَكُونَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» (آل عمران ، ۳ ، آیه ۱۸۶) مسلماً شمادر اموالتان و خودتان مورد آزمایش قرار می گیرید .

تاملوم شود که آیا دارایی ، ما را از یاد خدا و همنوعان غافل می سازد ، و ما را از انسانیت بیرون می برد ؟ و آیا مال را وسیله ای برای ظلم و احجاف ، احتکار و خود خواهی قرار می دهیم ، و یا برای عبادت ، ایثار و کمک به زیر دستان و صلۀ رحم و کارهای سودمند اجتماعی و غیره .

ثروتمندی که مال خود را در راه خدا و بینوایان خرج نمی کند ، مانند کسی است که ایمان به خدا و روز آخرت ندارد و آنها را دروغ می شمارد .

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ، فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَ لَا يُحِضْ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ» (ماعون ، ۱۰۷، آیات ۱-۳)

آیا ندیدی کسی که روز پاداش را انکار می کند ، این همان است که یتیم را به زجر از خود براند و به اطعام مساکین ترغیب نکند . بنابراین اقتصاد اسلامی با زیربنای اخلاقی و عبادی می تواند به بهترین وجه زندگی انسانها را با عدالت و آزادی اداره کند . (ماعون ، ۱۰۷، آیات ۱-۳)

### ریا در بانکهای دولتی :

در هر کشوری ، از یک سو کسان با تجربه و توانایی وجود دارند که برای تلاشها و تکاپوهای اقتصادی سرمایه لازم را در اختیار ندارند و از دیگر سوی کسانی هستند که با وجود دارایی و سرمایه مناسب توان ، یا علاقه لازم را برای تلاشهای مفید و زاینده تولید کننده ندارند ،



از این روی وجود موسسه هایی که بتوانند این دو گروه را به هم پیوند دهند و سرمایه های نقدی و انسانی را در مسیر رشد و شکوفایی اقتصادی قرار دهند، بایسته است.

بانکها با بهره گیری از تجربه های چند صد ساله و با استفاده از شعبه های گسترده خود، بهترین و روان ترین ابزار جهت به حقیقت پیوستن این هدف به حساب می آیند. بانکها به کمک گونه گون حسابهای سپرده، وجوه مازاد بر نیاز مصرفی و سرمایه گذاری کسان و موسسه ها را جذب کرده، به صورت وام و اعتبار های کوتاه مدت و بلند مدت، در اختیار بنگاههای اقتصادی قرار می دهند. لکن اساس کار بانکهای شناخته شده دنیا، چه در امر جذب سپرده ها و چه در دادن وام و اعتبار، (نظام بهره) است که به اعتقاد فقهای یزرگوار اسلام ربا حرام است.

ضرورت روزن افزون داد و ستد های بانکی و جایگاه مهم بانک در آماده سازی پس اندازها و کشاندن آنها به سوی تلاشهای اقتصادی مفید تولید کننده و زاینده باعث شده اندیشه وران مسلمان، به فکر پیدا کردن راه حلی برای پیاده کردن نظام بانکی بیفتند. نتیجه این فکر و اندیشه را در چهار گروه می توان عرضه کرد:

### **گروه نخست:**

در عین اعتراف به ربا بودن بهره بانکی، آن را از باب ناگزیری و نیاز، جایز دانسته است.

### **گروه دوم:**

از باب موضوع شناسی وارد شده، فرق ماهوی بین ربا و بهره بانکی گذاشته است.

### **گروه سوم:**

با تمسک به موارد استثناء و حکم ربا، آنها را بر بهره بانکی برابر ساخته است.

### **گروه چهارم:**

با مردود دانستن تلاشهای سه گانه در صدد طراحی نظام بانکی بر اساس عقود اسلامی برآمده که پدیده بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا، درخیلی از کشورهای مسلمان، دستاورد تلاشهای آنان است. ([http : // www. Balagh.net / pelsian/ feqh / maqulat/ eqte\\_sadi/](http://www.Balagh.net/pelsian/feqh/maqulat/eqte_sadi/) [ 002/01/14.htm [ 2005/05/15 ]

### **تعریف بانک:**

از قرن هجدهم میلادی به دلیل اختراعات و فعالیتهای اقتصادی، نیاز به سرمایه های

بزرگ برای اجرای برنامه های پیشرفت اجتماعی مطرح گردید. بانکهای بازرگانی مهمترین واحد هائی بوده اند که نسبت به تأمین سرمایه برای طرح های مورد نظر اشخاص و شرکت ها اقدام کرده اند. برای دسترسی به این هدف ها، بانک های بازرگانی از طریق پذیرش سپرده های مردم، امکان پرداخت وام و اعتبار را به دست آورده اند. در کشور ما نیز با تأسیس نخستین بانک بازرگانی، یعنی بانک ملی ایران در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶، ماده ۵ این قانون، عملیات اصلی بانکی را چنین تعریف کرده است.

«بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و برای پیشرفت تجارت و فلاح و وضعیت، پول قرض دهد مشروط بر اینکه قروض مزبور به وسیله اموال معتبر، اعم از منقول و یا ضمانت شخص یا اشخاصی که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد یا موسسات معتبره تأمین گردد.»

در زمینه «مدیریت روش های پرداخت» بعنوان یکی از وظایف بانک ها گفته شده است:

«بانک ها معمولاً در چارچوب شبکه بانکی عمل کرده و کارکرد پرداخت های بین المللی را تأمین می کنند. بانک ها، پرداخت های پولی را تضمین، گردش و مبادله اسناد پرداخت را تسهیل، امکان انجام عملیات صرافی را به وجود آورده و به گونه کوتاه برای تأمین پرداخت های بین المللی دخالت می کنند.»

## انواع سپرده های بانکی:

### ۱- سپرده دیداری:

این حساب از جهت ماهیت و عمل همانند حسابهای دیداری در تمام نظامهای بانکی خواهد بود افراد با افتتاح حساب و جوه مازاد خود را به بانک قرض داده در مقابل با استفاده از چک از خدمات رایگان حسابهای جاری استفاده می کنند. بانک نیز بعد از کنار گذاردن ذخایر قانونی و احتیاطی چنین حسابهایی از جوه آزاد آن در اعطای تسهیلات استفاده می کند.

### ۲- سپرده پس انداز:

صاحبان این سپرده وجود مازاد بر نیاز خود را به بانک قرض داده دفترچه می گیرند تا به هنگام نیاز با مراجعه به بانک پس انداز خود را دریافت کنند این گروه علاوه بر حفظ و نگهداری

پول و مشارکت در ثواب فرض الحسنه اعطایی بانکها از جوایز این حسابها که بانکها بصورت قرعه کشی می پردازند استفاده می کنند .

### ۳- سپرده سرمایه گذاری :

این سپرده ها به دو شکل کوتاه مدت و بلند مدت خواهد بود .

**الف ) سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت :** در این نوع حسابها ، سپرده گذاران بعنوان مشارکت سرمایه نقدی خود را به بانک داده دفترچه دریافت می کنند و تا زمانی که سرمایه خود را از بانک نگرفته اند متناسب با آن سرمایه و سود بانک سهیم خواهند بود .

**ب ) سپرده سرمایه گذاری بلند مدت :** در این نوع حسابها، سپرده گذاران بعنوان مشارکت سرمایه نقدی خود را به بانک داده دفترچه دریافت می کنند این گواهی ها می تواند در دو شکل با نام و بی نام باشد ، در گواهی های با نام صاحبان سپرده متعهد می شوند تا سر رسید معین سرمایه خود را خارج نکنند و اگر این کار را کردند به اصل سرمایه یا سود سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت بسنده کنند و در گواهی های بی نام همانند اوراق سهام عمل می شود ( با این تفاوت که اینها سر رسید معنی دارند ) بانک طی زمان مشخصی گواهی های مذکور را بر اساس قیمت اسمی به فروش می رساند و متعهد می شود در سر رسید معین حاصل اوراق را مالک و شریک بانک شناخته علاوه بر اصل سرمایه سهم سود وی را پرداخت کند ، بعد از تمام شدن زمان مشخص اوراق مذکور خارج از بانک به قیمت بازار خرید و فروش می شوند صاحبان این اوراق هر وقت به پول نقد نیاز پیدا کردند می توانند در بازار بورس یا هر جای دیگر آنها را فروخته به پول نقد تبدیل کنند ، روشن است با گذشت زمان متناسب با عملکرد بانک قیمت اوراق قیمت اسمی بیشتر می شود. و از آنجایی که این نوع سپرده ها از ثبات کامل برخوردار است قابلیت برنامه ریزی بانکها را در انتخاب طرحهای سود آور بالا می برد در نتیجه در مرحله تقسیم سود بانکی نیز بایستی بالاترین ضریب را داشته باشند . ( مجموعه سخنرانیها و مقالات نهمین سمینار بانکداری اسلامی ، ۱۳۷۷ ، ص ۲۷۳ )

### بانکداری و قوانین مالی اسلام :

معمولاً هنگام بحث از تحریم ربا ، این سؤال مطرح می شود که تعطیل کردن ربا موجب تعطیل شدن بانکهاست ، با این که بانک و معاملات بانکی از ضروریات زندگی امروز است .

فعالیت‌های بانکی را به طور کلی می‌توان دو دسته کرد، یک دسته آنها که معمولاً توأم با بهره نیست و دسته دیگر آنها که معمولاً توأم با بهره است.

**دسته اول:** از قبیل حواله، برات، حساب جاری و چک، حساب پس انداز بدون بهره و مبادلات ارزی و پولی دیگر.

**دسته دوم:** از قبیل دادن اعتبار یا وام تجارتي، صنعتی، کشاورزی، صنفی، خانه سازی، کارگشائی و نظایر اینها.

پس بانکها با تشکیلات وسیع و منظم و موقعیت اطمینان آوری که دارند برای تأمین این قسمت از احتیاجات زندگی بسیار مفیدند و همین احتیاجات کافی است که ضرورت وجود موسسات بانکی را ثابت کند.

ولی تحریم ربا، هر قدر هم دایره آن وسیع فرض شود، به این گونه کارهای بانکی کمترین لطمه وارد نمی‌کند. در جامعه اسلامی، چه دولت و چه افراد، می‌توانند موسسات لازم برای انجام این گونه کارها بوجود آورند و در برابر کاری که انجام می‌دهند کارمزد کافی با درصد معین بگیرند، بی آنکه به ربا آلوده شوند.

هیچ مانع ندارد که بانکها بجای آن که معاملات حسابهای جاری را مجاناً انجام دهند و در حسابهای پس انداز علاوه بر این بهره ای هم بدهند، برای معاملات و حسابهای جاری و پس انداز نیز، مانند حواله و برات، کارمزد کافی بگیرند و هزینه تشکیلات بانک را از این راه تأمین کنند. (سیدی خوزی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۰-۲۱۸)

بنابراین، در این بخش سعی شده است تا بانکداری اسلامی بصورت کلی و در حدی که تشریح موضوع ضرورت داشته باشد، مورد بحث و تحلیل قرار گرفته و به ویژه مطالب اساسی و عمده ذیل بطور اجمال بررسی می‌شود، به نحوی که با این روش بتوان نتیجه گیری لازم را در جهت رسیدن به اهداف و مقاصد موضوع این مقاله بعمل آورد:

### **ساختار و مبانی بانکداری اسلامی:**

نگاهی گذرا به نحوه عمل بانکهای اسلامی نشان می‌دهد که قسمت اعظم عملیات بانکهای اسلامی می‌تواند بصورت مکمل فعالیت بازار سرمایه و یا در واقع جزئی از سرمایه تلفی

شود. زیرا عملاً قسمت عمده فعالیت سیستم بانکی اسلامی خود بخشی از نوع فعالیت در بازار سرمایه است. به این ترتیب هرگونه ابتکار و خلاقیت در جهت بهبود روشها و گسترش فعالیت در بانکداری اسلامی، عملاً می تواند موجبات ابتکار و خلاقیت در عملیات بازار سرمایه و مالاً موجبات تحول در بازار سرمایه را فراهم آورد.

بانک اسلامی در تجهیز منابع پس انداز جامعه هنگامی موفق خواهد بود که همواره از نقدینگی کافی برای استرداد به موقع سپرده ها برخوردار باشد تا بتواند ریسک عدم استرداد منابع را به حداقل ممکن تقلیل دهد. کفایت نقدینگی از دو جهت حائز اهمیت است:

از یک طرف، هنگام مراجعه سرمایه گذار برای استرداد سپرده ها یا « سرمایه » خود بانک اسلامی این سپرده یا سرمایه را مسترد و یا در حقیقت سپرده وی را بازخرید می کند. اقدامات بانک در این مورد به نحوی صورت می گیرد که استرداد منابع سپرده گذار خللی در استمرار عملیات بانکی بوجود نمی آورد.

از طرف دیگر، همانطوریکه ذکر شد، این منابع پس از مصرف توسط بانک اسلامی، بصورت دارائی مالی در می آیند که آن نیز، هم در بانک اسلامی و هم در بورس اوراق بهادار قابل معامله است.

### شناخت نارسائیا و مشکلات بازار سرمایه :

شناخت نارسائیا و مشکلات یکی از حساس ترین مورد در بانکداری اسلامی، می باشد، زیرا ایجاد تحول و کارائی در بازار سرمایه از یک طرف نیاز به کوشش اداری داشته و از طرف دیگر، مستلزم شناخت مشکلات و نارسائیهای می باشد. در حال حاضر، عوامل و پارامترهای متعددی موانع بسیار زیادی را بر سر راه تحول بازار سرمایه ایران بوجود آورده اند که نه تنها بورس اوراق بهادار در سیستم بانکی به تنهایی نمی تواند آنها را برطرف کند بلکه برطرف کردن آنها نیاز به همکاری دسته جمعی، یعنی نیاز به همکاری وزارت امور اقتصادی و دارائی بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و دیگر سازمانهای ذیربط دارد و تعدادی از مشکلات و نارسائیا بعنوان نمونه عبارت است از: مشکلات مقرراتی، عدم تبعیت ساختار سود در دارائی های مالی از یک الگوی عملی، نحوه قیمت گذاری سهام، مشکلات مالیاتی، ضعف مدیریت در برخی از واحدهای

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، کمبود منابع ریالی، کمبود منابع ارزی، مشکلات قانون کار، مشکلات قیمت گذاری محصولات تولیدی در برخی از واحدهای تولیدی.

### **نقش بانکداری اسلامی در ایجاد تحول در بازار سرمایه:**

تعداد زیادی دارائی مالی از محل سپرده های بانکهای اسلامی که ذاتاً قابلیت داد و ستد در بورس اوراق بهادار را دارند می تواند بوجود آید. طبیعت این اوراق مشارکتی است. در واقع خود این اوراق سپرده، بدلیل ماهیت و ذات آنها، در حال حاضر، در شکل سهام موقت و یا در شکل اوراق مشارکت مورد عمل قرار می گیرند. در نتیجه، این اوراق سپرده می تواند توسط بانکها:

برای مصرف عام صادر شود، برای مصرف خاص یا ویژه صادر شود، بصورتی صادر شود که بر حسب مدت و در نتیجه سررسید متفاوت باشد، انواع با مالیات وبدون مالیات صادر شود، با تضمین دولت، با تعهد بانک یا بیمه و بالاخره بدون تضمین یا تعهد صادر شود.

بانک اسلامی از یک طرف در شکل مالکانه مبادرت به اخذ سپرده می کند و از طرف دیگر، در شکل مالکانه مبادرت به اعطای تسهیلات اعتباری می کند. این ویژگی می تواند آثار بسیار مثبتی از لحاظ ارائه ابزارهای مالی جدید قابل معامله در بازار سرمایه داشته باشد. (مجموعه سخنرانیها و مقالات نهمین سمینار بانکدار اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۴، ۱۰۶ و ۱۰۵ و ۱۰۳)

### **بانکهای دولتی بدون ربا:**

با اسلامی شدن بانکها و حذف ربا در واقع بانکها در خدمت مردم قرار می گیرند نه مردم در خدمت بانکها. (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۲) با توجه به راهکارهای زیر و با نائل ساختن آن راهها می توان با سوددهی بهتر روبرو شد و ضرر و زیانی با حذف کردن ربا از سیستم بانکداری متحمل نشد.

**الف) مشارکت:** به موجب ماده ۷ قانون بانکی: «بانکها می توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش فعالیت بخشهای مختلف تولیدی و بازرگانی و خدماتی، قسمتی از سرمایه و یا منابع مورد نیاز این بخشها را بصورت مشارکت تأمین نمایند».

**ب) سرمایه گذاری مستقیم:** به موجب ماده ۸ «بانکها می توانند، در امور و یا طرح های

تولیدی و عمرانی، مستقیماً به سرمایه گذاری مبادرت نمایند ...»

**پ) مضاربه:** به موجب ماده ۹: «بانکها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور بازرگانی، در چارچوب سیاستهای بازرگانی دولت، منابع مالی لازم را بر اساس قرارداد مضاربه در اختیار مشتریان با اولویت دادن به تعاونی های قانونی قرار دهند.»

**ت) فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک:** به موجب ماده ۱۰: «بانک ها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم در گسترش امر مسکن، با هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی، واحد های مسکونی ارزان قیمت به منظور فروش اقساطی و یا اجاره به شرط تملیک احداث نمایند.»

**ث) فروش اقساطی اموال منقول:** به موجب ماده ۱۱: «بانک ها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات، اموال منقول را بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر خرید و مصرف و یا استفاده مستقیم مال یا اموال مورد درخواست، خریداری نموده و با اخذ تأمین، بصورت اقساطی به مشتری بفرشند.»

**ج) اجاره به شرط تملیک اموال منقول و غیر منقول:** به موجب ماده ۱۲: «بانکها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدماتی، کشاورزی، صنعتی و معدنی، اموال منقول و غیر منقول را بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر انجام اجاره به شرط تملیک و استفاده خود، خریداری و بصورت اجاره به شرط تملیک به مشتری واگذار نمایند.»

**چ) خرید و فروش نسبه کالا:** به موجب ماده ۱۳: «بانکها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، به هر یک از عملیات ذیل مبادرت نمایند. ۱ - مواد اولیه و لوازم یدکی مورد نیاز واحدهای تولیدی را بنا به درخواست این واحد ها و تعهد آنها مبنی بر خرید و مصرف مواد اولیه و لوازم یدکی مورد درخواست، خریداری و به صورت نسبه به واحد های مذکور بفرشند. ۲- آن قسم از تولیدات این واحدها را که سهل البیع باشد بنا به درخواست آنها پیش خرید نمایند.»

**ح) جعاله:** به موجب ماده ۱۶: «بانکها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی مبادرت به جعاله نمایند.»

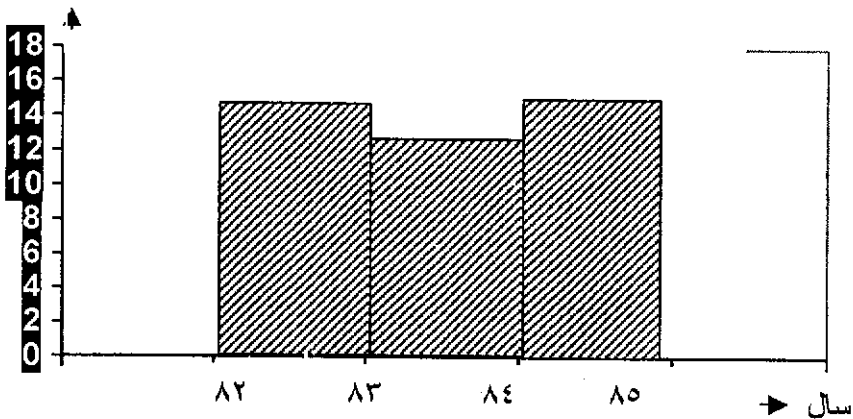
**خ) به موجب ماده ۱۷۰:** «بانکها می توانند، اراضی مزروعی و یا باغات را که در اختیار و تصرف خود دارند به مزارعه و یا مساقات بدهند.»

### جاذبه های بانک اسلامی :

- ۱- مهمترین امتیاز و جاذبه بانک اسلامی خروج از ربا و جنگ با خدا و حرام شدن مال و در آمدن آن در دایره حلال، و اطاعت و فرمانبرداری از خداست . (احل الله البيع و حرم الربا).
- ۲- جایگزین شدن عدالت اجتماعی بجای ظلم و استثمار معمول در بانکهای ربوی .
- ۳- جایگزین شدن کار و تلاش بشری در کارهای بانکی بعنوان منبع درآمد بجای بهره ربوی.
- ۴- کمک به کارهای تولیدی ، تجاری ، تعاونی و غیره .
- ۵- ایجاد سرمایه مشروع در اجتماع .
- ۶- برآوردن نیاز مستضعفان از راه وامهای کم بهره بجای وامهایی که بانکهای ربوی به سرمایه داران و واسطه ها می دهند.
- ۷- فراوان شدن فرصت کار .
- ۸- رشد استعداد ها در راه بهره ور ساختن مال از راه کار.
- ۹- ایجاد روح برادری و محبت ، بجای روح کینه و حسادت درآمدهای ربوی .
- ۱۰- مبارزه با فقر و رذائل اخلاقی که میان ربا دهندگان و رباگیرندگان پدید می آید .
- ۱۱- معافی از پرداخت زکات که به مالهای راکد در طی یک سال تعلق می گیرد ، و به عبارت دیگر صاحبان حساب سرمایه گذاری پس از گذشت یک سال ، از پرداخت زکات معافند .
- ۱۲- برای تأمین بیشتر بانکهای اسلامی سرمایه های مشتریان را در برابر خسارتهای احتمالی بیمه می کنند و بنا به ماده لایحه قانونی عملیات بانکی بدون بهره : « بانکها می توانند اصل سپرده های سرمایه گذاری مدت دار را تعهد و یا بیمه نمایند » . (بی آزار شیرازی ، ۱۳۸۳ ، ص ۱۳۵-۱۳۴) و اما موید مطالب فوق که گسترش ربا در جامعه بشری منجر به رکود اقتصادی و ایجاد فاصله طبقاتی می شود گزارشی است که از دادگستری شهرستان آستارا از تاریخ ۸۲/۱/۱ تا ۸۴/۸/۱۰ ارائه می شود که بصورت محور در زیر نمایش داده شده است.



## تعداد پرونده رباخواری



## نتیجه :

خداوند عالم بر تمام امور، ربا را به این دلیل حرام اعلام نمود که مردم به کارهای تجاری و مفید روی بیاورند و اگر ربا را حلال و مطابق با موازین شرع اسلام قرار می داد مردم فعالیت‌های مفید و اقتصادی را ترک می نمودند.

ربا خواری باعث می شود، طلبکار بدون انجام فعالیت اقتصادی، مفید از درآمد بالایی برخوردار شود. این عمل به اقتصاد جامعه لطمه می زند.

البته برای رهایی از حکم ربا راههایی در کتابها ارائه شده است در صورتی که رهایی از حکم ربا به هیچ وجه جایز نیست، و آنچه که در مبادله دو نوع کالای مثل هم در برابر مقدار اضافی چیزی در آن طرف می افزایشند تا اینکه از حرم به حلال تبدیل شود رهایی واقعی از ربا نیست و این نوع رهایی و سایر کالاهای شرعی جایز نیست.

بنابراین حرام بودن ربا از ضروریات فقه اسلام است، که این حرمت هم حرمت وضعی دارد و هم حرمت تکلیفی خداوند در این مورد می فرماید: «أصل الله البيع و حرم الربا، یعنی قانونگذار معامله بیعی را امضا و معامله ربوی را نفی می کند. و ما نیز در جامعه ای زندگی می کنیم که جامعه اسلامی است و قوانین آن بر اساس قرآن و سنت تنظیم و مدون شده است و از طرفی، ما موظفیم که این قوانین را در تمام مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مدنی و ... بکار ببریم.

در کل باید گفت، قرآن برنامه ای جامع برای رسیدن به جامعه مطلوب به انسانها می دهد که افراد با به کار بستن آن و اجرای قوانین به این جامعه دسترسی می یابند. چرا که قرآن اقتصاد و مدیریت را دو رکن اساسی جامعه اسلامی می داند و علت عقب ماندگی از دشمن را نبود یا کمبود و نقصان این دو اصل می شمارد. بخش اعظم وامهای بانکی در فعالیتهای تولید و تجاری هدایت می شود و مقدار ناچیز آن در اختیار افراد فقیر و مستضعف قرار می گیرد. در جهانی که تورم در آن فراگیر است، حذف بهره بانکی حداقل تا سطح جبران تورم، به اختلاف طبقاتی بیشتر می انجامد. بنابراین، اگر فلسفه حرمت ربا ظالمانه بودن آن باشد، در این صورت، خروج موضوعی بهره بانکی از ربای حرام، جدی گرفته خواهد شد و عدم حرمت ربای تولیدی قابل پذیرش خواهد بود.

### فهرست منابع

( الف )

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- لوقا، الاصحاح ۶.
- ۳- موسوی بجنوردی، سید محمد، مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۰.
- ۴- سیری احمد عبد الرحمن، بررسی تطبیقی بهره و ربا، ترجمه فتح الله حقانی، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۹.
- ۵- بی آزار شیرازی، عبد الکریم، رساله نوین، جلد ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۶- سعیدی خوزی احمد، شناخت فرهنگ و معارف اسلامی، تهران، نشر پندار، ۱۳۶۸.
- ۷- حسینی سید علی، توضیح لمعه، جلد ۲، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۳.
- ۸- فیض علیرضا، میادی فقه و اصول، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- ۹- ابراهیمی محمد حسین، ربا و قرض در اسلام، قم، مولف، ۱۳۷۲.
- ۱۰- صدر سید موسی، اقتصاد در مکتب اسلام، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۰.
- ۱۱- موسایی، میثم، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی، تهران، موسسه تحقیقات پول و بانکی، ۱۳۷۶.
- ۱۲- حکیمی محمد رضا، محمد و علی، الحیاه ج ۵، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۱۳- مجموعه سخنرانیها و مقالات نهمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران، نشر موسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۷۷.
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- ۱۵- قانون بانکداری.

**دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل**  
**فرم اشتراک فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق**

**مشخصات مشترک**

نام: ..... نام خانوادگی: .....

نام سازمان (اشخاص حقوقی): .....

نشانی: .....

کد پستی: ..... صندوق پستی: .....

شماره تلفن: ..... نشانی الکترونیکی: .....

شماره‌های مورد نیاز: .....

بهای اشتراک هر شماره (با احتساب هزینه پستی) ۲۰/۰۰۰ ریال (۵۶۴۰ بانک ملی، مرکزی - شعبه بابل) ضمناً به اطلاع علاقه مندان می‌رساند تعدادی از انتشارات مربوط به گذشته و پاره‌ای دیگر از انتشارات دانشکده موجود می‌باشد، در صورت نیاز می‌توانید با حوزه معاونت پژوهشی مکاتبه فرمایید.

**فهرست کتابهای موجود انتشارات دانشگاه:**

ردیف	عنوان کتاب	موضوع	نویسنده	تاریخ چاپ	انتشارات
۱	آموزش قرآن مجید و علم تجوید	قرآنی	حاج حسن قلی‌پور	پائیز ۱۳۷۶	چاپخانه توحید
۲	کتاب فقه و فقهها	فقهی	دکتر محمدجعفر هرندی	آذر ۱۳۷۴	// آذروش
۳	پژوهشنامه علمی - فرهنگی	پژوهشی	دانشگاه آزاد اسلامی بابل	زمستان ۱۳۷۲	// توحید
۴	پژوهشنامه علمی - فرهنگی	پژوهشی	حوزه معاونت پژوهشی	زمستان ۱۳۷۵	// توحید
۵	زندگی‌نامه محقق کرکی	فقهی	دکتر محمدجعفر هرندی	پائیز ۱۳۷۵	// رضایی
۶	فصلنامه علمی - پژوهشی (داخلی)	پژوهشی	حوزه معاونت پژوهشی	بهار ۱۳۷۷	// مبعث
۷	فصلنامه علمی - پژوهشی	پژوهشی	//	تابستان ۱۳۷۷	// مبعث
۸	سیمای دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل	معرفی واحد بابل	اردشیر فهم	بهار ۱۳۷۸	// مبعث
۹	فصلنامه علمی - پژوهشی (داخلی)	پژوهشی	حوزه معاونت پژوهشی	بهار ۱۳۷۸	انتشارات واحد
۱۰	فصلنامه علمی - پژوهشی (داخلی)	پژوهشی	//	بهار ۱۳۷۹	// مبعث
۱۱	فصلنامه واحد بابل (داخلی)	پژوهشی	//	بهار ۱۳۸۰	// مبعث
۱۲	مجموعه مقالات اسلامی شدن دانشگاه	باحث اسلامی	دانشگاه آزاد بابل	۱۳۷۴	// دانشگاه
۱۳	سلول	پزشکی	مجید علی‌پور	پائیز ۱۳۸۱	// مبعث
۱۴	فصلنامه واحد بابل	پژوهشی	حوزه معاونت پژوهشی	بهار ۱۳۸۱	// دانشگاه
۱۵	ریاضیات و کاربرد آن در مدیریت ۲	علوم پایه	سیداحمد حسن‌پور	بهار ۱۳۸۲	// مبعث
۱۶	مجموع مقالات اولین همایش بیماربهای دام و طیور	پژوهشی	حوزه معاونت پژوهشی	۱۳۸۳	// مبعث
۱۷	مجموع مقالات همایش تکنولوژی اطلاعات	پژوهشی	حوزه پژوهشی	۱۳۸۳	// مبعث
۱۸	مجله تخصصی فقه و مبانی حقوق پیش شماره ۱	//	//	۱۳۸۳	// مبعث
۱۹	اصول روشهای صید آبریان	شیلات	محمود اسداللهی	۱۳۸۳	// مبعث
۲۰	مجله تخصصی فقه و مبانی حقوق پیش شماره ۲	پژوهشی	حوزه پژوهشی	۱۳۸۴	// مبعث
۲۱	مجله تخصصی فقه و مبانی حقوق شماره ۱	پژوهشی	حوزه پژوهشی	۱۳۸۴	// کمال الملک



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی